

باغلاما و سازهای هم خانواده آن - آذربایجان غربی و کردستان

باغلاما در اصل ساز ملی قوم ترک و منطقه آناتولی است و در میان مردم ترک زبان و کردزبان ترکیه و شمال عراق رایج است. در نیم قرن گذشته باغلاما و سازهای هم خانواده آن بیشتر توسط مهاجران کرد عراقی در آذربایجان غربی و کردستان ایران رواج یافته است. گمان می رود باغلاما و سازهای هم خانواده آن محصول تغییر و تحولاتی هستند که روی قویوز (ساز عاشیقی) صورت گرفته است. قویوز ساز مورد استفاده اوزان های قرون گذشته (اجداد عاشیق ها و بخشی های ترک نژاد) بوده است. به هر ترتیب باغلاما و سازهای هم خانواده آن نقش مهمی در انتقال فرهنگ و موسیقی ترکی به عصر حاضر ایفا کرده اند. در آناتولی این سازها نام های گوناگونی دارند، از جمله باغلامای بلغاری، بوزوق، جورا، چالغی، ساز، چوگور، چکو، دمبرا، دینقیر، زیمبرا و تنبور. سازهای این خانواده با دستن بندی های مختلف (۹، ۱۲، ۱۷ و ۲۴ دستان) دیده می شوند که هر کدام ویژگی و کاربرد خاص خود را دارند. و ترها غالباً به تعداد ۶ یا ۷ عدد در سه ردیف قرار می گیرند. امروزه از انواع باغلاما با و ترها و دستان های کمتر نیز استفاده می کنند. باغلاما و سازهای هم خانواده آن از سازهای زهی مضرابی (زخمه ای) مقید است که با مضراب نواخته می شوند و در رده بندی سازها در گروه زه صداهای مضرابی قرار می گیرند.

ویژگی ظاهری و ساختاری سازهای خانواده باغلاما: باغلاما کاسه طنینی یکپارچه به شکل تقریباً نیمه گلابی و دسته ای نسبتاً طویل دارد که دستان ها روی آن بسته می شوند. روی دهانه کاسه صفحه چوبی قرار دارد و سایر اجزای سازهای این خانواده عبارت اند از: و ترها، سیم گیر، خرک، شیطانک، گوشی ها و مضراب.



کوک سازهای خانواده باغلاما: باغلاما و سازهای هم خانواده آن کوک های مختلفی دارند که متداول ترین آنها کوک های زیرند:
کوک تنبورا (ساز) و باغلامان (دیوان ساز):



دستان بندی سازهای خانواده باغلاما: در اینجا دستان بندی دو نوع از سازهای خانواده باغلاما را مورد توجه قرار می دهیم.

(الف) دستان بندی باغلاما (دیوان ساز) – علی حسن (آذربایجان غربی)



دست باز وترهای ردیف اول

(ب) دستان بندی تنبورا (ساز) – علی حسن (آذربایجان غربی)



دست باز وترهای ردیف اول

تکنیک‌های اجرایی سازهای خانواده باغلاما: تکنیک‌های اجرایی سازهای خانواده

باغلاما به‌ویژه در ترکیه پیشرفته و پیچیده‌اند اما در ایران این سازها با تکنیک‌های ساده‌تری اجرا می‌شوند. روی ردیف‌های اول، دوم و سوم وترها انگشت‌گذاری می‌شود اما انگشت‌گذاری روی وترهای ردیف اول بیشتر است و ملودی غالباً روی وترهای ردیف اول اجرا می‌شود. از انگشت شست دست چپ نیز برای گرفتن وترهای ردیف سوم استفاده می‌کنند. سازهای این خانواده غالباً با مضرابی از جنس پلاستیک نرم نواخته می‌شوند.



موارد و نوع استفاده سازهای خانواده باغلاما: باغلاما و سازهای هم‌خانواده آن رپرتوار

گسترده‌ای دارند که مقام‌های رایج در موسیقی ترکی، کردی و ارمنی ترکیه، موسیقی کردی شمال عراق و بسیاری از مقام‌های رایج در برخی نقاط مرزی ایران، ترکیه و شمال عراق را شامل می‌شود. این سازها هم به‌صورت تک‌نوازی و هم در همراهی با آواز و نیز در کنار سازهای دیگر در ارکسترهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند.

جنس و مواد به‌کار رفته در ساختمان سازهای خانواده باغلاما

کاسه طنینی یکپارچه (گاه ترکه‌ای): چوب‌های پروانه، عرعر (سروکوهی)، ماعون (ماهون)

صفحه: چوب صنوبر، چوب‌های دیگر

دسته: چوب بلوط، چوب‌های سخت دیگر

دستان‌ها: سیم نایلونی ۰/۳۵ تا ۰/۴۰

خرک: شاخ، استخوان، عاج فیل، چوب‌های سخت

وترها: زه یا موی دم اسب (در قدیم)، سیم فولادی

شیطانک و سیم‌گیر: شاخ، استخوان، عاج فیل، چوب‌های سخت

مضراب: چوب یا پوست درخت گیلاس یا آلبالو (در قدیم)، شاخ، پَر غاز، پلاستیک نرم

تمبیره نوبان – هرمزگان

فرهنگ ساحل نشینان دریاهای جنوبی ایران بیش از آنکه تحت تأثیر فرهنگ‌های نواحی دیگر ایران باشد، متأثر از همسایگی و ارتباط با فرهنگ‌های سواحل جنوبی دریاها و آمیزه‌ای از فرهنگ‌های آفریقایی، عربی و ایرانی است و در این میان فرهنگ آفریقایی نفوذ بیشتری داشته است. بخش قابل توجهی از ساکنان جنوب ایران را سیاهانی تشکیل می‌دهند که نسل‌های قبلی آنها به‌عنوان برده به این ناحیه آورده شده‌اند. این مهاجران، فرهنگ، موسیقی، زبان، اعتقادات و آیین‌هایی را با خود به نواحی جنوبی ایران منتقل کرده‌اند که بخشی از آنها مربوط به چگونگی تأثیر موسیقی بر ناهنجاری‌های روحی و روانی، و به بیان دیگر آیین‌های موسیقی درمانی است. زار، نوبان، مشایخ، لیوا و ... از جمله این آیین‌ها هستند که در هرمزگان رواج دارند. آنچه در اینجا مورد نظر ماست آیین نوبان و ساز اختصاصی آن است.

مراسم نوبان که نوعی آیین موسیقی درمانی در هرمزگان است آوازاها و سازهای خاص خود را دارد. مهم‌ترین و شاخص‌ترین ساز در این مراسم «تمبیره» است. تمبیره نوبان از خانواده سازهای زهی مضرابی (زخمه‌ای) است که غالباً به صورت مطلق و گاه مقید و با مضراب نواخته می‌شود و در رده‌بندی سازها در گروه زه صداهای مضرابی قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری تمبیره نوبان: تمبیره کاسه طنینی گرد و قدح‌مانندی از چوب

دارد که بر روی دهانه کاسه، پوست ضخیمی می‌کشند و روی پوست چهار سوراخ ایجاد می‌کنند. دو سوراخ پایینی باز هستند و در افزایش طنین و صدای ساز مؤثرند. از دو سوراخ بالایی، اضلاع جانبی تمبیره به شکل مایل عبور می‌کنند و در داخل کاسه به هم متصل می‌شوند. یک قطعه چوب افقی، اضلاع جانبی تمبیره را به هم متصل می‌کند. حاصل این اتصال، کلافی مثلثی شکل است که قاعده آن در بالا



و رأس آن در پایین و در داخل کاسه است. حرک در نقطه معینی روی پوست قرار دارد. تعداد وترها ۶ عدد است که از جنس روده اسب، بز یا

گوسفند هستند. وترها از یک طرف به سیم‌گیر (حلقه‌ای فلزی) متصل هستند و از طرف دیگر پس از عبور از روی خرک، در لابه‌لای طناب‌های نخی یا باریکه‌های پارچه‌ای تنیده می‌شوند و به دور قاعده کلافِ مثلثی شکل پیچیده می‌شوند. تمبیره نوبان فاقد گوشی برای کوک کردن وترها است و با مضرابی از جنس شاخ گاو نواخته می‌شود.



درویش محمد بازماندگان

تکنیک‌های اجرایی تمبیره نوبان: نواختن تمبیره

معمولاً رابطه معینی با ملودی آواز ندارد و آنچه اهمیت دارد بیشتر ریتم‌های نواختن آن و پُرکردن فضای صوتی است. صرف نظر از نقش موسیقایی تمبیره، نقش نمادین و مقدس و آیینی آن در مراسم نوبان نیز حایز اهمیت بسیار است. هنگام نواختن، هر شش وتر تمبیره به صدا درمی‌آیند. تکنیک‌های اجرایی دست راست در این ساز ساده و فقط شامل مضراب رفت و مضراب برگشت است و دست چپ وظیفه گرفتن وترها را بر عهده دارد. معمولاً از دو وتر تمبیره به صورت آزاد استفاده می‌کنند و چهار وتر دیگر گرفته می‌شوند. این وترها نیز متناوباً به صورت مقید یا مطلق مورد استفاده قرار می‌گیرند. در مجموع می‌توان گفت که تمبیره نوبان یک ساز ملودی نواز نیست.

کوک تمبیره نوبان براساس دو نمونه مورد مطالعه:



کوک تمبیره بابا درویش جزیره قشم



کوک تمبیره احمد غیبیدی سورو بندر لنگه

* نشانه‌های - و + مشخص کننده صداهای کمتر یا بیشتر در مقایسه با فواصل گام تامیره غربی و در نسبت با سایر صداها در کوک

تمبیره است.

موارد و نوع استفاده تمبیره نوبان: تمبیره، جز در مراسم نوبان، در هیچ مورد و موقعیت دیگری نواخته نمی‌شود. این ساز، مقدس و مورد احترام است و مطهرات و محرمات بسیاری دارد. در هر مراسم نوبان از یک تمبیره استفاده می‌کنند و این تمبیره با چند دهل نوبان و مَنیور همراهی می‌شود. مجموعه این سازها همراهی کننده آوازهای نوبان است که توسط تک‌خوان و همسرایان (پاسخ‌دهندگان) خوانده می‌شوند.

جنس و مواد به‌کار رفته در ساختمان تمبیره نوبان

کاسه: چوب یکپارچه توت، گردو و ...

پوست: پوست گاو

وترها: روده اسب، روده بز

سیم‌گیر: میخ و حلقه فلزی

خرک و اضلاع: چوب

مضراب: شاخ گاو

قسمت دوم: زه‌صداهای آرشه‌ای (کمانی)

سروز (سرود)، قیچک – بلوچستان

سروز که در بلوچستان پاکستان به آن «ساروز» یا «سارود» می‌گویند در زبان فارسی به قیچک یا غزک معروف است. در متون منظوم و منشور فارسی و نیز رساله‌های موسیقی قدیم ایران، نام این ساز به صورت‌های غزک، غزک، غچک (قیچک) و غز نیز آمده است. قیچک از سازهای رایج در ایران قدیم بوده و امروزه تمرکز عمده آن در ایران به بلوچستان و سیستان محدود است و به‌طور پراکنده به مناطقی از استان‌های هرمزگان و کرمان نیز مهاجرت کرده است. قیچک یا سرروز، مهم‌ترین و اصیل‌ترین ساز در موسیقی بلوچستان ایران و از خانواده سازهای زهی آرشه‌ای (کمانی) مقید است که در رده‌بندی سازها در گروه زه‌صداهای آرشه‌ای قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری قیچک بلوچی: کاسه طنینی قیچک حجیم و دو قسمتی است

و دو فرو رفتگی در دو طرف آن وجود دارند که در سطح جلویی کاسه به هم می‌پیوندند و آن را از سمت جلو به دو قسمت تقسیم می‌کنند. دو قسمت کاسه از داخل به هم متصل هستند و قسمت پایینی کوچک‌تر و کم‌حجم‌تر از قسمت بالایی است و روی آن پوست می‌کشند. قسمت میانی کاسه بالایی با یک صفحه مشبک چوبی پوشیده شده اما دو طرف این صفحه باز است. قیچک دسته‌ای کوتاه و نسبتاً کلفت دارد. سرپنجه یا جعبه گوشی‌ها که حدود ۱۰ گوشی در آن قرا می‌گیرند و نسبتاً حجیم است به تاج قیچک منتهی می‌شود که به سمت عقب ساز کشیده شده است. قیچک بلوچی ۱۱



وتر و ۱۱ گوشی دارد و وترها به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول، ۴ وتر اصلی هستند که روی آنها آرشه کشیده می‌شود و گروه دوم، ۷ وتر فرعی (واخوان‌ها) هستند که روی آنها آرشه کشیده نمی‌شود و با ارتعاش وترهای اصلی مرتعش می‌شوند. وترهای اصلی از یک طرف به سیم‌گیر و از طرف دیگر پس از عبور از روی خرک و شیطانک به گوشی‌ها متصل می‌شوند. وترهای واخوان نیز از یک طرف به سیم‌گیر و از طرف دیگر پس از عبور از سوراخ‌های ایجاد شده در بدنه خرک و گذشتن از روی

شیطانک به گوشی‌های مربوط به خود متصل می‌شوند. از ۱۱ گوشی قیچک بلوچی، ۱۰ گوشی در قسمت سرپنجه و یک گوشی که مربوط به آخرین وتر واخوان است در قسمت جانبی دسته قرار دارند. آرشه قیچک یک ترکه باریک کمانی شکل چوبی است که به دو سر آن رشته‌هایی از موی دم اسب بسته شده‌اند.

کوک قیچک بلوچی (الف) وترهای اصلی



(ب) وترهای فرعی (واخوان‌ها)



دین محمد زمک زهی

تکنیک‌های اجرایی قیچک بلوچی : ساختمان آرشه

قیچک بلوچی اگرچه کمانی است اما موی آن در مقایسه با آرشه کمانچه محکم‌تر و سفت‌تر است و نوازنده می‌تواند با شُل یا سفت کردن موی آرشه با انگشتان دست راست، نوانس‌های مختلفی ایجاد کند. لگاتو، آلپونتا، آلتالونه، دتاشه، آلاکورد و سباراتو از تکنیک‌های ممکن یا رایج آرشه‌کشی در محدوده امکانات اجرایی این ساز هستند. هنگام انگشت‌گذاری روی وترها با انگشتان دست چپ، انگشت و وتر با دسته قیچک تماس نمی‌یابند و به این ترتیب، میزان فشار انگشت بر وتر اهمیت زیادی

دارد. معمولاً روی وترهای اول، دوم و چهارم انگشت گذاری می‌کنند و از وتر سوم که جنس آن از زه است، جز در موارد معدود، به صورت دست‌باز استفاده می‌شود.

موارد و نوع استفاده قیچک بلوچی: قیچک، ساز همراهی کننده بیشتر نمونه‌های موسیقی آوازی بلوچستان است که غالباً همراه با سایر سازهای بلوچی در مواردی چون مجالس عروسی و شادمانی و مراسم گواتی (موسیقی درمانی) استفاده می‌شود اما نواختن تنهای آن نیز متداول است.

جنس و مواد به‌کار رفته در ساختمان قیچک بلوچی

کاسه طنینی و گوشی‌ها: چوب‌های پَر پوک، توت، کهور

پوست: پوست آهو، گوسفند

سیم‌گیر: میخ چوبی یا فلزی

خرک: شاخ، چوب گردو، چوب توت

وترهای اول، دوم و چهارم: سیم فولادی سفید، نخ ابریشمی نسوز

وتر سوم: زه

وترهای واخوان: سیم فولادی سفید

چوب آرشه: چوب گَز

موی آرشه: موی دُم اسب

قیچک – سیستان

قیچک سیستانی از نظر ویژگی‌های ظاهری و تکنیک‌های اجرایی تا حدودی به قیچک بلوچی شباهت دارد اما ساختمان و تکنیک‌های ساده‌تری دارد. با فراموش شدن تدریجی رُباب امروزه قیچک، تنها ساز زهی ناحیه سیستان و مهم‌ترین ساز در همراهی با آواز است. این ساز نیز از خانواده سازهای زهی آرشه‌ای (کمانی) مقید است که در رده‌بندی سازها در گروه زه‌صداها آرشه‌ای قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری قیچک سیستانی: با وجود شباهت‌هایی میان قیچک

سیستانی و بلوچی، تفاوت‌هایی نیز میان این دو ساز هم‌خانواده دیده می‌شوند. کاسه طنینی این ساز که از قیچک بلوچی بلندتر و لاغرتر است دو قسمتی



است و این دو قسمت از داخل به هم مرتبط هستند. روی دهانه قسمت پایینی کاسه پوست کشیده شده و قسمت بالایی کاسه از قسمت پایینی حجیم‌تر است و در وسط آن یک صفحه چوبی مشبک در امتداد دسته قرار دارد. بدنه اصلی این ساز شامل کاسه طنینی، دسته، سرپنجه و تاج یکپارچه است. قیچک سیستانی نیز دارای دسته‌ای کوتاه و کلفت است و ۳ وتر اصلی و ۷ وتر فرعی (واخوان‌ها) و ۱۰ گوشی دارد. ۹ گوشی در

قسمت سرپنجه و یک گوشی معمولاً در کنار دسته قرار دارد که مربوط به آخرین وتر واخوان است. وترها به دو گروه اصلی و فرعی (واخوان‌ها) تقسیم می‌شوند. روی وترهای اصلی آرشه کشیده می‌شود و وترهای فرعی (واخوان‌ها) با ارتعاش وترهای اصلی به صدا درمی‌آیند. از ۳ وتر اصلی قیچک سیستانی فقط روی وترهای اول و سوم انگشت‌گذاری می‌کنند و از وتر دوم به صورت دست‌باز استفاده می‌شود. روی خرک بعضی قیچک‌های سیستانی سوراخ‌هایی برای عبور وترهای فرعی (واخوان‌ها) ایجاد شده‌اند. آرشه قیچک سیستانی یک ترکیه چوبی خمیده است که به دو سر آن رشته‌هایی از موی دُم اسب بسته شده‌اند.



کوک قیچک سیستانی الف) وترهای اصلی

ب) وترهای فرعی (واخوان‌ها)



مستیان مالکی

تکنیک‌های اجرایی قیچک سیستانی: استاکاتو، لگاتو،

ترمولو (به ندرت)، آلاپونتا، آلتالونه، دتاشه، آلاکورد و سپاراتو از مهم‌ترین تکنیک‌های اجرایی دست راست در محدوده امکانات اجرایی این ساز هستند. روی وترهای اصلی اول و سوم طوری انگشت‌گذاری می‌شود که انگشت و وتر با دسته قیچک تماس نمی‌یابند. گلیساندو (به‌طور محدود)، پیتزیکاتو دست چپ و ... از تکنیک‌های دست چپ در این ساز هستند.

موارد و نوع استفاده قیچک سیستانی: امروز قیچک

مهم‌ترین ساز در همراهی با آوازها و ترانه‌های سیستانی ست و معمولاً با دو ساز دیگر همراهی می‌شود که یکی دهل بزرگ است و مانند تمبک با دست نواخته می‌شود و دیگری قاشقک یا

زنگ‌های مضاعف (دوتایی) کوچکی ست که به انگشتان دست بسته می‌شوند. در قدیم دایره قیچک را همراهی می‌کرده و در چند دهه اخیر تمبک به تدریج جایگزین دایره شده است. از قیچک سیستانی در مراسم شادمانی، عروسی و ختنه‌سوران استفاده می‌شود.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان قیچک سیستانی

بدنه اصلی (کاسه طنینی، دسته، سرپنجه و تاج): چوب توت

پوست: پوست نازک گوسفند

وترها (اصلی و فرعی): سیم فولادی سفید

گوشی‌ها و خرک: چوب توت

سیم‌گیر: میخ فلزی

چوب آرشه: چوب گز

موی آرشه: موی دم اسب

کمانچه‌ها - نواحی مختلف ایران

کمانچه که امروزه در بعضی نواحی ایران متداول است از خانواده سازهای زهی آرشه‌ای (کمانی) مقید است و در رده بندی سازها در گروه زه صداهای آرشه‌ای قرار می‌گیرد. این ساز در مناطقی چون شمال خراسان، گلستان (مناطق ترکمن نشین و کنول)، شرق مازندران، دامغان، طالقان، گیلان، آذربایجان شرقی و غربی، کرمانشاهان، لرستان، چهارمحال و بختیاری و فارس متداول است اما در مناطق گیلان، دامغان، طالقان و فارس روبه فراموشی است. کمانچه در نواحی ایران با نام‌ها و گویش‌های مختلفی، از جمله کمانچه (شمال خراسان)، گمونچه (دامغان و شهرکرد)، کمانچه (طالقان)، کمانچا (آذربایجان شرقی)، کمان یا کمانچه (آذربایجان غربی)، قیجان (ترکمن صحرا)، موکش (کرمانشاهان) و تال (لرستان) شناخته می‌شود.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری کمانچه: کمانچه‌های متداول در نواحی مختلف ایران در

مجموع ویژگی‌های ساختاری نسبتاً مشترکی دارند و تفاوتشان صرف نظر از اندازه یا جنس و مواد به کار رفته در ساختمان آنها، بیشتر مربوط به شکل و ساختمان کاسه طنینی است که می‌توان آن را در دو ساختار کلی تفکیک و تعریف کرد:

(الف) کاسه‌های پشت‌باز: کمانچه‌های متداول در لرستان، کرمانشاهان، چهارمحال و بختیاری، منطقه کنول (استان گلستان) و دامغان (استان سمنان) کاسه طنینی پشت‌باز دارند و صدای این نوع کمانچه‌ها شفاف‌تر، شدیدتر و تا حدودی تیزتر و نافذتر است.

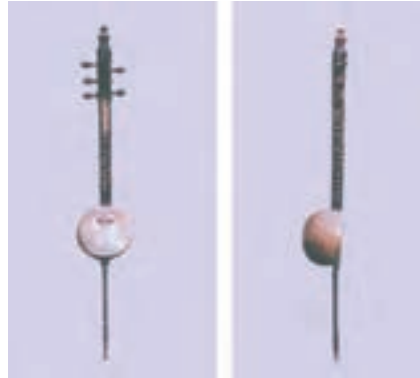
(ب) کاسه‌های پشت‌بسته: کمانچه‌های پشت‌بسته در شمال خراسان، منطقه ترکمن نشین استان گلستان، شرق مازندران، طالقان، گیلان، آذربایجان شرقی و غربی و فارس متداول هستند. صدای این نوع کمانچه‌ها در مقایسه با کمانچه‌های پشت‌باز، گرفته‌تر، نرم‌تر و تودماغی‌تر است. کاسه‌های طنینی پشت‌بسته را می‌توان در سه شکل کلی مشاهده کرد:

۱- پشت کاسه گنبدی شکل؛ ۲- پشت کاسه گروی؛ ۳- پشت کاسه تخت

همه کمانچه‌های متداول در نواحی ایران دسته‌ای گرد دارند و روی دهانه کاسه طنینی آنها پوست کشیده می‌شود. معمولاً قطر دسته از سمت سرپنجه به طرف کاسه تدریجاً کم می‌شود و دسته با یک میل فلزی به کاسه متصل می‌شود. این میل با عبور از قسمت زیرین کاسه، تکیه‌گاه اصلی کمانچه بر روی زمین یا پای نوازنده است. این کمانچه‌ها دارای ۳ وتر و ۳ گوشی هستند و در چند دهه گذشته برخی نوازندگان در بعضی مناطق با پیروی از ساختار کمانچه فارسی، تعداد وترهای کمانچه‌های خود را به ۴ افزایش داده‌اند. در منطقه دیلمان در استان گیلان نیز چند کمانچه با ۵ تا ۶ وتر مشاهده شده‌اند. سایر اجزای کمانچه عبارت‌اند از سیم‌گیر، خرک، شیطانک و آرشه.



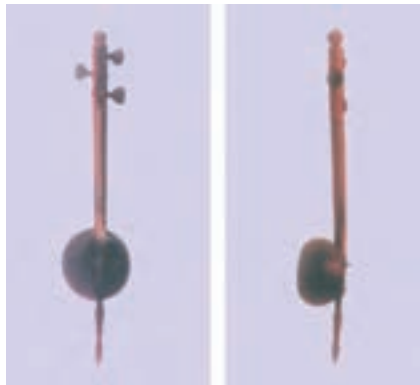
کمانچه لرستان



کمانچه گیلان



کمانچه ترکمن صحرا (نمونه قدیم)



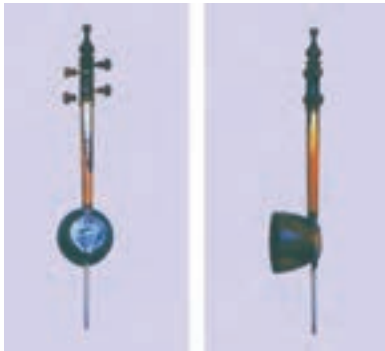
کمانچه ترکمن صحرا (نمونه جدید)



کمانچه دامغان (سمنان)



کمانچه آذربایجان شرقی



کمانچه بختیاری



کمانچه قشقایی

کوک کمانچه: کمانچه‌های متداول در نواحی ایران کوک‌های مختلفی دارند که مهم‌ترین آنها

به شرح زیرند:



شمال خراسان، شرق مازندران



گلستان (ترکمن صحرا)



گلستان (کتول)، شرق مازندران



شرق مازندران



شرق مازندران



دامغان



دامغان و طالقان



گیلان



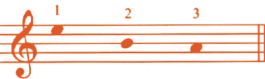
آذربایجان شرقی: برای شور، چهارگاه، زابل سه‌گاه، میرزا حسین
سه‌گاه، شوشتری، همایون، ماهور، قطار



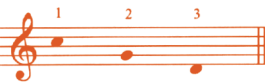
آذربایجان شرقی: برای راست، بیات شیراز



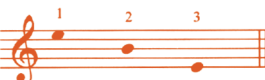
آذربایجان شرقی: برای بیات قاجار «سی بمل»، زمین خار «سی بمل»



آذربایجان غربی



کرمانشاه



کرمانشاه



لرستان



لرستان



چهارمحال و بختیاری (شهرکرد)



چهارمحال و بختیاری (شهرکرد)



چهارمحال و بختیاری (شهرکرد)



چهارمحال و بختیاری (شهرکرد)



فارس (قشقایی)



فارس (قشقایی)

تکنیک‌های اجرایی کمانچه: تکنیک‌های اجرایی کمانچه اگرچه با اختلافاتی جزئی، در بیشتر نواحی ایران مشابه‌اند اما در برخی نواحی مانند آذربایجان شرقی و ترکمن صحرا پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر هستند. در مجموع و فارغ از اختلافات جزئی، مهم‌ترین تکنیک‌های اجرایی کمانچه در نواحی مختلف ایران عبارت‌اند از:



اسماعیل جعفری نیا - قشقایی

الف) تکنیک‌های اجرایی دست راست: لگاتو،

استاکاتو (به‌طور محدود)، آلاپونتا، آلتالونه، دتاشه، آلاکورد، اسپاراتو، ترمولو (به‌طور محدود)، نوعی دُرَاب (در برخی مناطق)، استفاده از طول‌های مختلف آرشه برای ایجاد حالت‌های مختلف و استفاده از سر یا نوک آرشه به‌صورت کوتاه (مهم‌ترین تکنیک آرشه‌کشی در آذربایجان شرقی). بدیهی‌ست چگونگی استفاده از این تکنیک‌ها به ساختمان و امکانات اجرایی ساز وابسته است.

ب) تکنیک‌های اجرایی دست چپ: انگشت‌گذاری

روی هر سه یا چهار وتر با تأکید بر استفاده بیشتر از وترهای اول و دوم (در آذربایجان غربی از وتر اول به‌صورت دست‌باز استفاده می‌شود)، پیتزیکاتو دست چپ (به‌طور محدود)، گلیساندو (غالباً به‌صورت لغزش میان دو صدای مجاور و گاه غیرمجاور) و تریل و باتری (به‌ندرت)



همت‌علی سالم - لرستان



بهرام بردی‌گر - ترکمن صحرا



اکبر منوچهری — دامغان (سمنان)



ابرارخان خوشخوان — گیلان



حسین حیدری — بختیاری (شهرکرد)



علی فرشباف — آذربایجان شرقی

موارد و نوع استفاده کمانچه: مهم‌ترین موارد استفاده از کمانچه در نواحی ایران، مجالس عروسی و شادمانی و محافل اُنس هستند. در این مجالس و محافل کمانچه اجراکننده موسیقی رقص‌های قومی و همراهی‌کننده آوازاها، مقام‌ها و ترانه‌های منطقه خویس است. ساز همراهی‌کننده کمانچه در قدیم دایره بوده و امروزه بیشتر تمبک است و در برخی مناطق از دهلی که با دست نواخته می‌شود نیز

استفاده می‌کنند. در آذربایجان شرقی کمانچه در موقعیت‌های دیگری، از جمله همراه با تار آذربایجانی، خواننده و قوال (دایره) در اجرای مقامات، ارکستر سازهای ملی آذربایجان و ارکسترهای مختلط نیز نواخته می‌شود.

جنس و مواد به‌کار رفته در ساختمان کمانچه :

کاسه طنینی : چوب‌های توت، گردو، اُرس، بید، زردآلو، زبان گنجشک
دسته : چوب‌های سُرخدار، زردآلو، قیسی، گلابی، افرا، مَمَرز، عناب، آبنوس، شمشاد، گردو، کُنار
گوشی‌ها : چوب‌های سُرخدار، گردو، زردآلو، قیسی، گلابی، افرا، مَمَرز، عناب، آبنوس، کُنار
خرک : انواع مختلف چوب
پوست : پوست‌های دل گاو، دل شتر، مرغابی، آهو، ماهی، بره تودلی، خرگوش و گاه پوست نازک گوسفند یا بز
وترها : سیم فولادی سفید
میل : مفتول فولادی
چوب آرشه : چوب‌های انار، آلو، ازگیل، آلبالو، گردو، تبریزی، چَم، آرچن، زبان گنجشک، گَز
موی آرشه : موی دُم اسب

رَبَاب (ربابه) – خوزستان

رَبَاب که کولی‌های عرب‌زبان خوزستان آن را ربابه می‌نامند از سازهای رایج در میان عرب‌های خوزستان است و به نوعی از آنکه کاسه طنینی فلزی دارد، گَلِن یا گَالُن نیز می‌گویند. این ساز که به جز خوزستان – و تا حدودی در میان بومیان عرب‌زبان جزیره کیش در هرمزگان – در تمام کشورهای عربی و شمال آفریقا دیده می‌شود توسط عرب‌های ایرانی در خوزستان متداول شده و از قدیم مورد استفاده قرار می‌گرفته است. رباب از خانواده سازهای زهی آرشه‌ای (کمانی) مقید است که در رده بندی سازها در گروه زه صداهای آرشه‌ای قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری رباب: در خوزستان رباب با دو نوع کاسه طنینی متداول


است:

الف) با کاسه طنینی چوبی: این نوع رباب با دو نوع کاسه طنینی به شکل‌های □ و ▭ مشاهده می‌شود که دهانه آنها با پوست پوشانده شده است. در برخی نمونه‌ها، کاسه یک قاب است که هر دو طرف آن را پوست کشیده‌اند و خرک نیز در منطقه معینی روی پوست قرار دارد. رباب دارای یک وتر موین متشکل از چندین رشته موی دُم اسب است که از یک طرف به سیم‌گیر و از طرف دیگر پس از عبور از روی خرک در انتهای دسته مستقیماً به دور تنها گوشی نسبتاً بلند رباب پیچیده می‌شود. بنابراین رباب فاقد شیطانک است. به علت فاصله زیاد وتر از دسته، امکان تماس وتر با دسته هنگام انگشت‌گذاری وجود ندارد. این ساز یک میل فلزی و گاه چوبی دارد که از یک طرف به داخل دسته فرو می‌رود و از طرف دیگر پس از عبور از داخل کاسه، از قسمت زیر آن خارج می‌شود و به عنوان تکیه‌گاه ساز مورد استفاده قرار می‌گیرد. کمان یا آرشه رباب یک ترکه چوبی خمیده است که به دو سر آن رشته‌هایی از موی دُم اسب بسته شده‌اند.



ب) با کاسه طنینی فلزی: کولی‌های عرب‌زبان خوزستان گاه به جای کاسه یا قاب چوبی از گَالُن یا ظرف‌های مکعب مستطیل فلزی چهارلیتری روغن استفاده می‌کنند. سایر قسمت‌های این نوع رباب مانند رباب با کاسه یا قاب چوبی است.

کوک رباب: رباب کوک ثابتی ندارد و میزان کشش تنها وتر موین آن ارتباط مستقیم با وسعت صوتی

صدای خواننده دارد. صدای این وتر در رباب مورد بررسی به صورت  کوک شده است.

تکنیک‌های اجرایی رباب: امکانات اجرایی آرشه در



توفیق مهاوی

این ساز، با توجه به نوع موسیقی، ساختمان آرشه و ساختار ساز، تنوع زیادی ندارد. لگاتو، استاکاتو، ترمولو، آلپونتا، آلتالونه، دتاشه، آلاکوردا، سپاراتو و نیز سول پونتی چلو و سولتاستی‌پرا از شاخص‌ترین تکنیک‌های اجرایی دست راست در این ساز هستند. در انگشت‌گذاری بر تنها وتر رباب از هر پنج انگشت دست چپ استفاده می‌شود و این انگشت‌ها به جز انگشت شست، از بغل با وتر تماس دارند. انگشت شست دست چپ به نوعی نقش شیطانک متحرک این ساز را بر عهده دارد. گلیساندو (به صورت لغزش میان دو صدای مجاور و گاه غیرمجاور) و اجرای صداهای فلاژوله از دیگر تکنیک‌های اجرایی دست چپ در رباب هستند.

موارد و نوع استفاده رباب: رباب تنها ساز زهی بومی است که در خوزستان برای اجرای

موسیقی سنتی عربی استفاده می‌شود. تمام فرم‌های سازی (تقسیم، نوبه و ...) و آوازی (قصیده، لیالی، مؤال، توشیح و ...) با رباب قابل اجرا هستند. رباب با چند ساز کوبه‌ای شامل کاسوره، تمپو و تمبک همراهی می‌شود و مهم‌ترین عرصه حضور این ساز، مجالس عروسی و شادمانی است.

جنس و مواد به کار رفته در ساختمان رباب

کاسه طنینی: چوب، فلز (گالُن چهارلیتری روغن)

پوست (در رباب‌های با کاسه چوبی): پوست گوسفند

دسته و گوشی و خرک: چوب توت یا چوب‌های متداول در محل

سیم‌گیر: بند نخ، بند نایلونی، تسمه باریک پلاستیکی

میل: مفتول فلزی یا چوبی

وتر: رشته‌های موی دُم اسب

آرشه: ترکه‌ای چوبی با موی دُم اسب



تمرین های فصل دوم - بخش اول

زه صداها (کوردوفون ها)

۱- کوک های متداول در دوتارهای شرق و شمال خراسان، ترکمن صحرا، کتول و شرق مازندران

را بنویسید.



۲- تعداد دستان ها در دوتارهای شرق و شمال خراسان، ترکمن صحرا، کتول و شرق مازندران

را بنویسید.

۳- دستان بندی دوتار شمال خراسان (قربان سلیمانی - قوچان) را بنویسید.



۴- تکنیک های اجرایی اصلی در دوتارهای شرق و شمال خراسان، ترکمن صحرا، کتول و شرق

مازندران را شرح دهید.

۵- جنس کاسه طنینی، صفحه و دسته در سازهای خانواده دوتار چیست؟

۶- کوک های اصلی و متداول در تنبور را بنویسید.



۷- دستان بندی تنبور کرمانشاه (سید امراله شاه ابراهیمی - صحنه) را بنویسید.



۸- تکنیک های اجرایی اصلی در تنبور را نام ببرید.

۹- ویژگی های ظاهری و ساختاری تمبوره تالش را توضیح دهید.

۱۰- کوک‌های متداول در تمبوره تالش را بنویسید.



۱۱- دستان‌بندی تمبوره تالش (صالح بیدار) را بنویسید.



۱۲- تکنیک‌های اجرایی اصلی در تمبوره تالش را توضیح دهید.

۱۳- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری تمبورک بلوچستان را شرح دهید.

۱۴- کوک تمبورک بلوچستان را بنویسید.



۱۵- تکنیک‌های اجرایی اصلی در تمبورک بلوچستان را نام ببرید.

۱۶- موارد و نوع استفاده از تمبورک بلوچستان را شرح دهید.

۱۷- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری اصلی در رباب هجده تار بلوچستان و سیستان را توضیح

دهید.

۱۸- کوک وترهای اصلی در رباب هجده تار را بنویسید.



۱۹- کوک وترهای فرعی (واخوان‌ها) در رباب هجده تار را بنویسید.



۲۰- دستان‌بندی رباب هجده تار بلوچستان (موسی زنگشاهی - زاهدان) را توضیح دهید.

۲۱- تکنیک‌های اجرایی اصلی در رباب هجده تار بلوچستان را شرح دهید.

۲۲- موارد و نوع استفاده از رباب هجده تار بلوچستان را شرح دهید.

۲۳- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری رباب پنج تار بلوچستان را شرح دهید.

۲۴- کوک‌های اصلی رباب پنج تار بلوچستان را بنویسید.



- ۲۵- تکنیک‌های اجرایی اصلی رباب پنج‌تار بلوچستان را توضیح دهید.
 ۲۶- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری اصلی بینجو بلوچستان را توضیح دهید.
 ۲۷- کوک‌های اصلی بینجو بلوچستان را بنویسید.



- ۲۸- پرده‌بندی بینجو بلوچستان را بنویسید.



- ۲۹- تکنیک‌های اجرایی اصلی بینجو را شرح دهید.
 ۳۰- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری ساز عاشیقی آذربایجان را شرح دهید.
 ۳۱- متداول‌ترین کوک ساز عاشیقی آذربایجان را بنویسید.



- ۳۲- دستان‌بندی متداول ساز عاشیقی آذربایجان (ایمران حیدری - تبریز) را بنویسید.



- ۳۳- موارد و نوع استفاده از ساز عاشیقی آذربایجان شرقی و غربی را شرح دهید.
 ۳۴- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری اصلی تار آذربایجانی را شرح دهید.
 ۳۵- کوک‌های اصلی و متداول تار آذربایجانی را بنویسید.



۳۶- دستان بندی تار آذربایجانی (حبیب صیرفی - تبریز) را بنویسید.



۳۷- تکنیک‌های اجرایی اصلی تار آذربایجانی را شرح دهید.

۳۸- کوک‌های متداول و معمول در سازهای خانواده باغلاما را بنویسید.



۳۹- دستان بندی باغلاما (دیوان ساز) را بنویسید.



۴۰- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری اصلی تمبیره نوبان هرمزگان را شرح دهید.

۴۱- کوک تمبیره نوبان هرمزگان (بابا درویش - قشم) را بنویسید.



۴۲- موارد و نوع استفاده از تمبیره نوبان را شرح دهید.

۴۳- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری اصلی قیچک بلوچستان را شرح دهید.

۴۴- کوک‌های متداول وترهای اصلی قیچک بلوچستان را بنویسید.



۴۵- کوک و تره‌های فرعی (واخوان‌ها) قیچک بلوچستان را بنویسید.



۴۶- تکنیک‌های اجرایی اصلی قیچک بلوچستان را توضیح دهید.

۴۷- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری اصلی قیچک سیستان را بنویسید.

۴۸- کوک و تره‌های اصلی قیچک سیستان را بنویسید.



۴۹- کوک و تره‌های فرعی (واخوان‌ها) قیچک سیستان را بنویسید.



۵۰- موارد و نوع استفاده از قیچک سیستان را شرح دهید.

۵۱- در چه مناطقی از ایران کمانچه متداول است؟

۵۲- چند نوع کاسهٔ طنینی کمانچه در ایران متداول است؟

۵۳- کوک‌های متداول کمانچه در مناطق شرق مازندران، ترکمن صحرا، آذربایجان شرقی و

لرستان را بنویسید.



۵۴- تکنیک‌های اجرایی اصلی در سازهای خانوادهٔ کمانچه در نواحی ایران را توضیح دهید.

۵۵- ویژگی‌های ظاهری و ساختاری رباب خوزستان را شرح دهید.

۵۶- تکنیک‌های اجرایی اصلی رباب خوزستان را شرح دهید.

۵۷- موارد و نوع استفاده از رباب خوزستان را شرح دهید.

پوست صداها (ممبرانوفون‌ها)

هدف‌های رفتاری: پس از پایان این بخش از فراگیر انتظار می‌رود:

- ۱- موارد استفاده از انواع نقره را توضیح دهد.
- ۲- انواع دهل در نوامی مختلف را شرح دهد.
- ۳- ویژگی‌های ظاهری و سافتاری پوست صداها مورد بحث در بخش دوم را شرح دهد.
- ۴- گروه طبل‌های دوطرفه و یک‌طرفه را توضیح دهد.
- ۵- مذاقل ویژگی‌های پانزده نوع دهل را توضیح دهد.

سازهای کوبه‌ای و ضربه‌ای دارای پوست

پوست صداها یا سازهای کوبه‌ای و ضربه‌ای دارای پوست در نواحی ایران انواع مختلف و بی‌شماری دارند و در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آنها را از نظر ساختمان و نوع نواختن به چند گروه تقسیم کرد:

- ۱- طبل‌هایی که با ضربه مستقیم به صدا درمی‌آیند.
 - ۲- طبل‌هایی که با ضربه غیرمستقیم به صدا درمی‌آیند.
- طبل‌هایی که با ضربه مستقیم به صدا درمی‌آیند خود به دو نوع تقسیم می‌شوند:

الف) طبل‌های دوطرفه

- گروه اول - طبل‌های دوطرفه که با چوب (مضراب) نواخته می‌شوند.
- گروه دوم - طبل‌های دوطرفه که با چوب (مضراب) و دست نواخته می‌شوند.
- گروه سوم - طبل‌های دوطرفه که با دست نواخته می‌شوند.

ب) طبل‌های یک‌طرفه

- گروه اول - طبل‌های یک‌طرف بسته که با چوب (مضراب) نواخته می‌شوند.
- گروه دوم - طبل‌های یک‌طرف باز که با دست نواخته می‌شوند.

تقسیم‌بندی‌های ریزتر، دقیق‌تر و فرعی‌تری نیز می‌توان برای پوست صدها در نظر گرفت که در اینجا نیازی به طرح آنها نیست و از هر نوع و هر گروه فقط چند ساز را به‌عنوان نمونه بررسی خواهیم کرد.

الف) طببل‌های دو طرفه

گروه اول — طببل‌های دو طرفه که با چوب (مضراب) نواخته می‌شوند.

این طببل‌ها با نام «دهل» و در برخی موارد با نام‌هایی برگرفته از زبان یا گویش‌های محلی شناخته می‌شوند. سازهای این گروه شاید پُرشمارترین نوع پوست صدا در نواحی مختلف ایران باشند:

۱- دهل — بلوچستان (منطقه شمالی: سرحد)

۲- دهل — سیستان

۳- دهل — خراسان (جنوب، شرق، شمال)

۴- دهل (دیل، دَهِیل) — گلستان (منطقه کتول)

۵- دهل (دِهل، دَهِیل) — مازندران (شرق)

۶- دهل (تَمَک) — مازندران (غرب)

۷- دهل — سمنان (گرمسار)

۸- دهل — تهران (طالقان)

۹- دهل — آذربایجان شرقی

۱۰- دهل — آذربایجان غربی

۱۱- دهل (دَوُل) — کرمانشاه

۱۲- دهل (دَوُل، دَوُل، دَهِل، دُل) — کردستان

۱۳- دهل — لرستان

۱۴- دهل — خوزستان (شوشتر)

۱۵- دهل — چهارمحال و بختیاری

۱۶- دهل — هرمزگان

۱۷- طببل هشت گوش — عراق و ایران

گروه دوم — طببل‌های دو طرفه که با چوب (مضراب) و دست نواخته می‌شوند:

۱- دهل — بلوچستان (مناطق مرکزی و جنوبی: مَکُران)

۲- تیمبوک — بلوچستان (مناطق مرکزی و جنوبی: مَکُران)

۳- دهل - کرمان

۴- جوره - کرمان

۵- دهل - هرمزگان (میناب)

۶- جوره - هرمزگان (میناب)

۷- دَمَام - بوشهر

گروه سوم - طبل های دو طرفه که با دست نواخته می شوند :

۱- دُکُر (دُهَلک) - بلوچستان

۲- دُهَلکِ نال - بلوچستان

۳- دَمَام - خوزستان (اروندکنار، خرمشهر، آبادان)

۴- ناقارا - آذربایجان شرقی

۵- پیپه - هرمزگان

۶- کَسِر - هرمزگان

۷- مُرواس - هرمزگان

ب) طبل های یک طرفه

گروه اول - طبل های یک طرفه بسته که با چوب (مضراب) نواخته می شوند :

نام بیشتر این طبل ها که غالباً به صورت مضاعف (دوتایی) هستند «نقاره» است. اما در برخی

نواحی ایران با نام هایی برگرفته از زبان یا گویش های محلی نیز شناخته می شوند :

۱- نقاره (ناقاره) - گیلان

۲- نقاره (دِسَرکوتین) - مازندران (مرکزی)

۳- فوشاناقارا - آذربایجان شرقی

۴- تاس، دو طبله (دوتپله) - کردستان

۵- نقاره (ناقاره) - فارس، کهگیلویه و بویراحمد

۶- نقاره نقاره خانه - خراسان (مشهد) و ...

۷- نقاره - سمنان

۸- نقاره - هرمزگان (بَسْتک)

۹- دهل نوبان - هرمزگان (بندر لنگه)

۱۰- نقاره - عراق و ایران

گروه دوم - طبل‌های یک طرفه‌باز که با دست نواخته می‌شوند :

این گروه به دو دسته تقسیم می‌شوند :

- با بدنهٔ استوانه‌ای یا شبه استوانه‌ای

- با بدنهٔ قاب‌مانند (طوقه‌ای)

نوع اول با نام‌های مختلفی، برگرفته از زبان یا گویش‌های محلی یا واژه‌هایی از فرهنگ‌های

دیگر - به‌ویژه آفریقا - در برخی نواحی ایران متداول‌اند :

۱- دهل مُگَرْمَان - بلوچستان

۲- چینکنگه - هرمزگان

۳- مِریاسه - هرمزگان

۴- چِپوَوَه - هرمزگان

۵- دهل شیخ فرج (لیوا، رحمانی) - بوشهر (جزیرهٔ خارک)

۶- بچه‌های دهل شیخ فرج - بوشهر (جزیرهٔ خارک)

۷- تمبک - نواحی مختلف ایران

۸- تمبک زورخانه - برخی نواحی ایران

۹- تمپو - برخی نواحی ایران

۱۰- کاسوره - خوزستان (اهواز، آبادان، خرمشهر)

نوع دوم که بدنه‌ای قاب‌مانند دارند در بیشتر نواحی ایران متداول هستند و بر حسب اندازه و

نوع نواختن می‌توان آنها را به دو گروه اصلی زیر تقسیم کرد :

۱- ذَف - کردستان و برخی نواحی ایران

۲- دایره - نواحی مختلف ایران

در آخرین بخش رده‌بندی پوست صداها، به طبل‌های دوطرفه‌ای که با ضربهٔ غیرمستقیم به صدا

درمی‌آیند اشاره می‌کنیم. این پوست صداها کم‌تعدادترین سازهای کوبه‌ای دارای پوست در ایران

به‌شمار می‌روند و در عین حال در معرض فراموشی هستند :

۱- اندازهٔ بزرگ : دهل شیطانک (دهل خبر) - کردستان

۲- اندازهٔ کوچک : طبلک (جفجغه) - نواحی مختلف ایران

اکنون به بررسی اجمالی چند نمونه از طبل‌های دوطرفه و یک‌طرفه می‌پردازیم :

۱- دهل - سیستان



دهل سیستان پوست صدای دو طرفه‌ای است که با چوب نواخته می‌شود. به‌طور کلی همه دهل‌ها بدنه‌ای استوانه‌ای دارند که بر دو سر آنها پوست کشیده می‌شود. ارتفاع این بدنه در نواحی مختلف متفاوت است اما در مجموع می‌توان گفت دهل‌ها بدنه‌ای نسبتاً بلند یا نسبتاً کوتاه دارند.

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری دهل سیستان:

دهل، استوانه نسبتاً بلند و بزرگ چوبی و گاه فلزی است که بر دوسر آن پوست کشیده‌اند. پوست را در هر طرف ابتدا دور طوقه‌ای فلزی یا چوبی می‌کشند و بعد با طناب به شکل خاصی به بدنه دهل متصل می‌کنند. دهل با تسمه‌ای نسبتاً بلند از شانه چپ نوازنده آویزان می‌شود. طرف راست دهل با چوبی

قوس‌دار (چوب یا مضراب دهل) به صدا درمی‌آید و طرف چپ با دو چوب کوچک (نلوک) که به انگشت‌های دست چپ بسته می‌شوند نواخته می‌شود.

تکنیک‌های اجرایی دهل سیستان:

چوب دهل در دست راست نوازنده قرار می‌گیرد و نلوک‌ها به انگشت‌های سوم و چهارم دست چپ با نخ بسته می‌شوند. دست راست نقش اصلی را در نواختن دهل و ایجاد تقارن‌های اصلی متریک - ریتمیک برعهده دارد. صدای برخورد چوب دهل با پوست سمت راست بسیار شدید، پُر حجم و بم است. وظیفه نلوک‌های دست چپ ایجاد تزئینات ریتمیک و تکمیل اجزای ریتم است. در مجموع دست‌های راست و چپ نقش‌های متفاوتی دارند و مکالمه‌ای ریتمیک میان خود انجام می‌دهند.



موارد و نوع استفاده دهل سیستان : در حال حاضر دهل سیستان فقط در مجالس عروسی و شادمانی و گاه در مراسم کُشتی محلی نواخته می‌شود و ساز همراهی‌کننده سُرنا است. این ساز در گذشته وظیفه خبررسانی را نیز بر عهده داشته است.

جنس و مواد به‌کار رفته در ساختمان دهل سیستان :

بدنه : چوب جنگلی یکپارچه، فلز (بشکه)

پوست : پوست بز

چوب (مضراب) دهل : چوب جنگلی، چوب گز

۲- دهل - خراسان

دهل خراسان نیز پوست صدای دوطرفه‌ای است که با چوب نواخته می‌شود. خراسان را می‌توان از نظر فرهنگی به سه منطقه جنوب، شرق - مرکز و شمال تقسیم کرد. در تمام این مناطق دهل متداول است. جنوب خراسان شامل شهرهایی چون بیرجند، گناباد، قاین و فردوس است. دهل بیرجند به خاطر مشترکات فرهنگی تا حدودی شبیه دهل سیستان است. اما دهل‌های رایج در سایر شهرهای جنوب خراسان تا حدودی به هم شبیه هستند. در خراسان شرقی - مرکزی (تایباد، تربت جام، کاشمر و...) نیز دهل متداول است و ساختمان آن تفاوت قابل توجهی با دهل‌های جنوب خراسان - به جز بیرجند - ندارد. دهل شمال خراسان نیز در مجموع شبیه دهل‌های دیگر مناطق خراسان است.



دهل شمال خراسان (شیروان)

دهل شرق خراسان (تربت جام)

دهل جنوب خراسان (گناباد)

ویژگی‌های ظاهری و ساختاری دهل خراسان: دهل‌های متداول در خراسان - به جز بیرجند - که در مجموع ویژگی‌های ظاهری نسبتاً مشترکی دارند استوانه چوبی نسبتاً کوتاهی هستند که بر دوسر آن پوست کشیده‌اند. این استوانه از گرد کردن تسمه‌ای چوبی ایجاد شده است. پوست را در هر طرف ابتدا دور طوقه‌ای چوبی و گاه فلزی می‌کشند و طوقه همراه پوست را با طناب به شکل خاصی به بدنه دهل متصل می‌کنند. دهل خراسان نیز معمولاً با تسمه یا طناب از شانه چپ نوازنده آویزان می‌شود. طرف راست دهل با چوبی که اندکی قوس دارد، و طرف چپ با ترکه‌ای باریک به صدا درمی‌آیند.

تکنیک‌های اجرایی دهل خراسان: چوب دهل در دست راست نوازنده و ترکه در میان انگشت‌های دست چپ او قرار می‌گیرند. دست‌های راست و چپ در ایجاد تقارن‌های متریک-ریتمیک مکمل هم هستند و نوعی مکالمه ریتمیک به وجود می‌آورند. صدای برخورد چوب دهل به پوست سمت راست قوی، پُر حجم و بم، و صدای برخورد ترکه به پوست چپ تیز، نافذ و زیر است.



دهل شمال خراسان (شیروان)



دهل شرق خراسان (تربت جام)



دهل جنوب خراسان (گناباد)

موارد و نوع استفاده دهل خراسان: دهل، ساز همراهی‌کننده سُرنا است و مجالس عروسی و شادمانی مهم‌ترین عرصه حضور دهل و سُرنا هستند. ریپرتوار سُرنا و دهل خراسان شامل آهنگ‌های رقص، مراسم اسب‌چوبی (گناباد، سبزوار و شمال خراسان)، اجرای برخی مقام‌های اصلی منطقه و برخی ترانه‌ها است.

جنس و مواد به‌کار رفته در ساختمان دهل خراسان:

بدنه: چوب‌های جنگلی، توت، چنار، سپیدار

پوست: پوست‌های بز، گوسفند، آهو، بزغاله

چوب (مضراب) دهل: چوب‌های گز، سیاجو، گردو، زردآلو

ترکه: چوب بید

طوقه: چوب‌های قابل انعطاف

طناب: نخ، موی بز، پلاستیک

۳- دَمَام - بوشهر

دَمَام از پوست صداهای دوطرفه‌ای است که بدنه استوانه‌ای نسبتاً بلند دارند و با چوب (مضراب) و دست نواخته می‌شوند. دَمَام‌های بوشهر معمولاً در سه اندازه‌اند و در واقع سه کارکرد مختلف دارند. نوع اول، دَمَام معمولی است که تعدادشان در گروه معمولاً چهار عدد است. نوع دوم، دَمَام غَمبر است که می‌تواند اندازه دَمَام معمولی یا بزرگتر از آن باشد. در کنار چهار دَمَام معمولی از دو دَمَام غَمبر استفاده می‌شود. نوع سوم، دَمَام اِشکون، از دو نوع قبلی کوچک‌تر است و تعداد آن در گروه معمولاً یک عدد است.



ویژگی‌های ظاهری و ساختاری دَمَام: دَمَام،

استوانه‌ای از چوب یکپارچه یا ترکه‌ای و گاه فلزی است که بر دو طرف آن پوست کشیده‌اند. پوست را ابتدا دور طوقه‌هایی به نام چَمبَره از جنس نی خیزران یا بامبو می‌کشند. هر دَمَام چهار چَمبَره دارد که در میان پوست صداهای متداول در ایران یک ویژگی منحصر به فرد است. زیرا همه طبل‌های دوطرفه معمولاً دارای دو طوقه هستند، اما دَمَام در هر طرف دو طوقه دارد. طوقه‌ها همراه با پوست در دو طرف دَمَام با طناب به شکل خاصی به بدنه متصل می‌شوند. دَمَام را با یک قطعه چوب (ساقه برگ نخل) که اندکی قوس دارد می‌نوازند.

تکنیک‌های اجرایی دَمَام: چوب یا گُرز دَمَام

که سر آن کمی خمیده است در دست راست نوازنده قرار می‌گیرد. پوست سمت راست با چوب و پوست سمت چپ با دست نواخته می‌شوند. دست‌های راست و چپ در ایجاد تقارن‌های متریک - ریتمیک مکمل هم هستند و نوعی مکالمه ریتمیک به وجود می‌آورند. این مکالمه در دَمَام معمولی، ساده‌تر است و به ترتیب در دَمَام غَمبر و اِشکون پیچیده‌تر می‌شود. صدای برخورد گُرز دَمَام به پوست



سمت راست قوی، پُر حجم و بَم، و صدای برخورد کف و انگشت‌های دست چپ نوازنده به پوست سمت چپ تا حدودی نافذ و زیرتر است. دَم‌های غَمبر از نظر تکمیل جریان ریتم، واسطه‌ای میان دَم‌های معمولی و دَم‌اِشکون هستند. دَم‌های معمولی پایه‌های اصلی جریان ریتم را ایجاد می‌کنند و دَم‌های غَمبر این پایه‌ها را به ساختمان ریتمیک تبدیل می‌کنند و دَم‌اِشکون به صورت بداهه به تزئین و آرایش این ساختمان ریتمیک می‌پردازد. بنابراین نقش دَم‌انِ اشکون از سایر دَم‌ها مشکل‌تر و مهم‌تر است.

موارد و نوع استفاده دَم‌ام : موارد اصلی استفاده از دَم‌ام در چند دهه اخیر محدود به مراسم سوگواری ماه محرم در قالب گروه‌های دَم‌ام و سنج و بوق است. در سال‌های اخیر از این ساز در موقعیت‌های دیگری چون مراسم یَزله و همراهی با نی‌انبان و نی‌جفتی نیز استفاده می‌کنند. گروه‌های دَم‌ام و سنج و بوق، متشکل از تعدادی دَم‌ام (معمولاً فرد)، تعدادی سنج (معمولاً فرد) و یک بوق شاخی هستند و وظیفه اعلام آغاز مراسم سوگواری محرم را برعهده دارند. در گذشته از دَم‌ام هنگام انجام کارهای دریایی در کشتی یا ساحل، مراسم اهل هوا (نوعی مراسم موسیقی درمانی)، مراسم دُم‌م سحری (مراسم سحرگاه ماه رمضان) و چند موقعیت دیگر نیز استفاده می‌شده است.

جنس و مواد به‌کار رفته در ساختمان دَم‌ام :

بدنه : چوب یکپارچه یا ترکه‌ای، فلز

پوست : پوست بز

چَمبَرَه (طوقه) : نی بامبو، خیزران، چوب، میله فلزی

چوب (گُرز) دَم‌ام : ساقه برگ درخت نخل

طناب : الیافی مانند کُنف، بندنخی